بسمه تعالی

**موضوع**: لزوم یا عدم لزوم قصد تعیین در سوره /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مسأله 12: نسیان سوره تعیین شده برای بسمله 1](#_Toc106212856)

[صورت اول: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا کافرون 2](#_Toc106212857)

[1.کلام صاحب عروه 2](#_Toc106212858)

[مناقشه در کلام صاحب عروه 3](#_Toc106212859)

[2. فرمایش محقق حائری رحمه الله 3](#_Toc106212860)

[3.فرمایش محقق خوئی 4](#_Toc106212861)

[4.بیان استاد در حل مسئله 5](#_Toc106212862)

[بررسی فرمایش محقق عراقی 6](#_Toc106212863)

[بررسی فرمایش محقق داماد رحمه الله 6](#_Toc106212864)

[صورت دوم: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا جحد یا یک سوره دیگر 8](#_Toc106212865)

[بررسی کلام محقق خوانساری 8](#_Toc106212866)

[صورت ثالثه: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا سوره قدر مثلا 9](#_Toc106212867)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته بعد از بیان سید یزدی مبنی بر عدم لزوم تعیین سوره قبل از خواندن آن، به بیان اقوال مختلفی از جمله مشهور متأخرین، محقق خویی، محقق زنجانی، محقق سیستانی اشاره شد. در این جلسه به بررسی ادله و بیان نظر مختار پرداخته می شود.

# ادامه مسأله 12: نسیان سوره تعیین شده برای بسمله

مسئله 12 چنین است:

« إذا عين البسملة لسورة ثمَّ نسيها فلم يدر ما عين‌وجب إعادة البسملة لأي سورة أراد و لو علم أنه عينها لإحدى السورتين من الجحد و التوحيد و لم يدر أنه لأيتهما أعاد البسملة و قرأ إحداهما و لا يجوز قراءة غيرهما‌»**[[1]](#footnote-1)**

مرحوم صاحب عروه در مسئله 12 صوری را مطرح فرموده که به دلیل ناقص بودن فروض، علماء در صدد تکمیل آن بر آمده اند.

## صورت اول: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا کافرون

یک فرض در جایی است که شخص علم اجمالی دارد که نیت سوره خاصی را کرده که آن سوره یا توحید و یا کافرون بوده است. با توجه به اینکه مرحوم سید یزدی عدول از این دو سوره به سور دیگر و همچنین عدول از یکی از این دو سورة به دیگری را جایز نمی دانند، راه حلی باید در مسئله ارائه شود که مکلف چه کند؟ اگر سوره دیگری بود مهم نبود و می توانست رها کند و سوره سومی را بخواند، اما سوره توحید و کافرون خصوصیت دارد که نهی از عدول از آن ها در روایات وارد شده است.

در جلسه گذشته عرض شد که محقق سیستانی حفظه الله مشکلی با این مسئله ندارند؛ چرا که ایشان تعیین سوره را به نیت نمی دانند، لذا می فرمایند حتی اگر عمدا قصد سوره دیگری کنند و سپس در ادامه، سوره دیگری را بخوانند، اشکالی ندارد. در فرض نسیان نیز طبیعتا مکلف با مشکلی مواجه نخواهد بود. ایشان می فرمایند وقتی بسم الله الرحمن الرحیم را که یک آیه مشترک بین سور مختلف است، گفته شود، سپس هر آیه ای بعد از آن به جا آورده شود و آن سوره تمام شود، مشکلی ندارد. اما این مبنا مورد پذیرش مشهور و صاحب عروه نبود، بحث این است که طبق مبنای صاحب عروه باید چه کرد؟

1.کلام صاحب عروه

 ایشان خود این پیشنهاد را مطرح کرده بودند که شخص بسم الله را به قصد یکی از دو سوره تکرار کند و آن سوره را دوباره بخواند. ایشان قصد تعیین را نیز لازم نمی دانست لذا فرقی نمی کند که مکلف قصد تعیین کند یا نکند، مهم این است که سوره سومی نباید خوانده شود. تنها توجیهی که می توان برای فرمایش سید یزدی مطرح کرد، ادعای انصراف بود؛ به این بیان که گفته شود: دلیل حرمت عدول از سوره کافرون یا توحید از این فرض ها که شخص مردد است که کدام سوره را تعیین کرده است، انصراف دارد. اشکال نشود که حال که انصراف دارد، پس سوره سوم را نیز می توان خواند؛ زیرا در جواب گفته می شود ممکن است صاحب عروه بگوید نسبت به اینکه غیر سوره سوم را نیت کرده ایم علم تفصیلی داریم، لذا مخالفت با علم تفصیلی نباید کرد.

### مناقشه در کلام صاحب عروه

بنابراین اگر ایشان این مطلب را مطرح می کرد مشکل حل بود، لکن انصافا ادعای انصراف وجهی ندارد، از این رو دو اشکال به صاحب عروه وارد است:

1. ایشان اعاده بسم الله را مطرح کردند در حالی که اشتباه است؛ زیرا یقینا بسم الله مجدد جزء نماز واجب نیست؛ چه اینکه اگر به نیت سوره توحید بسم الله گفته، باید تا آخر سوره توحید را بخواند و حق ندارد جحد بخواند، اگر هم به نیت کافرون گفته، حق ندارد توحید بخواند، اینکه یک بار دیگر بسم الله بگوید چه اثری دارد؟ اگر می خواست عدول کند می گفتیم بسم‌الله دوم بخاطر عدول است فرض این است که عدول جایز نیست، طبق این مبنا بحث می‌‌کنیم. ‌وقتی عدول جایز نیست، ‌یا بسم‌الله را به قصد سوره توحید می خواند که در این صورت لغو است؛ زیرا الان داشت سوره توحید را می خواند، پس جزء واجب نمی شود، اگر هم می خواهد عدول کند به کافرون، این عدول طبق نظر خود ایشان جایز نیست.

سوال می شود که آیا می تواند به قصد رجاء بخواند؟ جواب این است که فرض این است که علم تفصیلی دارد که تکرار این بسم الله جزء نماز نیست؛ از این رو به قصد جزئیت رجائی معنایی ندارد.

2. اشکال دوم این است که ایشان می فرمایند فقط یک سوره را بخواند و سوره دوم را نیاز نیست که بخواند در حالی که این خلاف قاعده اشتغال است، ما وقتی یقین داریم که واجب است که یا سوره جحد را بخوانیم بخاطر این‌که شروع کردم در آن یا سوره توحید را بخوانم چون شروع کردم در آن، چگونه بگوییم که یک سوره کافی است؟ در مورد علم اجمالی «الاشتغال الیقینی یستدعی الفراغ الیقینی».

### 2. فرمایش محقق حائری رحمه الله

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری کیفیت دومی را غیر از کیفیت صاحب عروه مطرح می‌‌کند[[2]](#footnote-2). ایشان می فرمایند:

 اگر ما بگوییم اطلاق دلیل حرمت عدول این فرض را می‌‌گیرد، دو صورت دارد:

**الف:** **یک وقت قائل می‌‌شویم به جواز قران بین السورتین**؛ در این صورت می‌‌تواند با همان بسم‌اللهی که قبلا گفته، یکی از این دو سوره را بخواند، اول یک بسم‌الله گفته به قصد احدی السورتین، الان یکی از آن دو سوره را بخواند، بعد بسم‌الله دیگری بگوید آن سوره دیگر را بخواند. مثلا بدون بسم‌الله مجدد سوره توحید را بخواند، تمام که شد بسم‌الله بگوید به قصد سوره جحد سوره جحد را هم بخواند. در این صورت احراز امتثال می‌‌کند. اگر فی علم الله بسم‌الله را به قصد سوره جحد گفته بود، فوقش این است که این بسم‌الله دوم را که می‌‌گوید بعد از سوره توحید، تکرار بسم‌الله سوره جحد است و آن سوره توحیدش بدون بسم‌الله است. مهم نیست. سوره توحید را که اول خواند بدون بسم‌الله می‌‌شود چون بسم‌الله را واقعا به قصد جحد گفته است. اکتفاء به آن قرار نیست بشود و قرار است سوره کافرون نیز خوانده شود، برای سوره کافرون هم در حقیقت دو بسم الله گفته شده است و تکرار بسم الله مضر نیست.

**ب:** **یک وقت قائل می‌‌شویم به حرمت قران بین السورتین**؛ در این صورت نمی‌شود این نماز را تصحیح کرد؛ زیرا اگر یک سوره را بخواند خلاف قاعده اشتغال است، دو سوره را بخواند قران بین السورتین است. اگر یک سوره فقط بخواند خلاف آن علم اجمالی است که واجب است یا سوره جحد بخوانم چون شروع در آن کردم یا سوره توحید بخوانم چون شروع در آن کردم.

اشکال به ایشان این است که لزومی ندارد که شخص بسم الله را تکرار کند. به قول محقق خویی وجهی برای تکرار بسم الله قبل از سوره کافرون نیست. اگر واقعا آن بسم الله اول برای سوره توحید بود، بعدش سوره توحید می خواند، اگر هم برای سوره کافرون بود، الان دارد سوره کافرون می خواند و مشکلی نیست.

اگر اشکال به عدم رعایت موالات عرفیه شود، جواب داده می شود که اگر موالات عرفیه خراب شده بود دیگر بعد از این سوره توحید نیازی نبود سوره کافرون بخواند؛ زیرا موالات به هم خورده است و آن بسم الله که اول گفته، صلاحیت که اینکه سوره کافرون را بخوانیم و به آن ضمیمه کنیم ندارد.

حرمت عدول در آن جایی است که آن بسم‌الله از صلاحیت اتمام خارج نشود، اگر موالات عرفیه بهم خورده آن بسم‌الله اول با خواندن سوره توحید بعد از آن از صلاحیت الحاق سوره جحد خارج شد، وقتی خارج شد دیگر حرمت عدول این را نمی‌گیرد، ‌ شخص می تواند سوره ثالثه بخواند، چرا حتما باید سوره جحد بخواند؟ و لذا قول به لزوم تکرار بسم الله وجهی ندارد.

## 3.فرمایش محقق خوئی

کیفیت سوم را آقای خوئی فرمود، در نظر ایشان تکرار بسم الله لازم نیست و همان یک بار کفایت می کند؛ زیرا بسم اللهی که خوانده شده یا به قصد توحید و یا کافرون بوده، بدون بسم الله این دو سوره را می خواند، فی الواقع برای یکی از آن ها است و مسئله ی قران و یا فوت موالات عرفیه نیز مشکل ساز نیست؛ زیرا قران که اشکالی ندارد، فوت موالات عرفیه نیز محقق نمی شود[[3]](#footnote-3).

## 4.بیان استاد در حل مسئله

بیان ما این بود که فرمایش محقق خویی مبنی بر عدم لزوم تکرار بسم الله صحیح است، اما عدم جواز تکرار بسم الله وجهی ندارد. ما عدم لزوم تکرار را قبول داریم ولی عدم جواز را قبول نداریم. وقتی یک بسم الله بگوید با همان بیان محقق خویی مشکل حل می شود، نه قران مشکل ساز است و نه موالات عرفیه به هم می خورد، اما ادعای عدم جواز تکرار بسم الله تنها وجهش این است که گفته می شود ما می دانیم این تکرار بسم الله جزء نماز نیست، نباید بگوییم،ما در جواب می گوییم معنای لازمه علم به اینکه این تکرار جزء نماز نیست، عدم جواز تکرار سوره نیست؛ زیرا می توان آن را به نیت سوره مطلقه تکرار کرد.

یک راه این است که بگویم بسم ‌الله الرحمن الرحیم به قصد سوره دوم غیر از آن سوره‌ای که بسم‌الله را اول برای او گفتم، بعد شروع کنم سوره توحید و جحد را بخوانم، می‌‌شود اقحام، یعنی ادغام یک سوره در سوره دیگرو اشکالی هم ندارد. می‌‌توانم هم همان اول بسم‌الله را تکرار کنم به قصد سوره توحید بعد یک بسم‌الله دیگر تکرار کنم به قصد سوره جحد، با این‌که می‌‌دانم جزء واجب نیست، ولی اشکالی ندارد زیرا قرائت قرآن است.

گفته نشود که وقتی قصد جزئیت نماز نشده باشدجزء آن نمی شود؛ زیرا ما قصد جزئیت را برای جزء شدن واجب نمی دانیم؛ جزء شدن متوقف بر قصد نیست. مثل این می‌‌ماند که شما قنوت می‌‌گیرید، ‌قنوت را نمی‌توانید بگویید جزء‌ واجب اما می‌‌توانید بگویید جزء این نمازی که می‌‌خوان است. اصلا قنوت جزء نماز می‌‌شود و لذا نماز با قنوت می‌‌گویند افضل است. قنوت جزء واجب نیست ولی جزء مسمای نماز است؛ زیرا نماز مقول به تشکیک است. محل بحث نیز همین است؛ من قصد می‌‌کنم جزء‌ نمازم باشد کافی است و مشکلی پیش نمی آید.

خلاصه اینکه به نظر ما می تواند شخص قصد جزئیت نماز را (ونه جزئیت واجب را) بکند و بسم الله را بگوید و کلام محقق خویی مبنی بر لزوم ترک بسم الله ثانیه تمام نیست؛ پس من می‌‌توانم یک بسم‌الله اول که گفتم یک بسم‌الله دیگر هم به قصد سوره دوم بگویم، بعد دو تا سوره را بخوانم، ‌می توانم آن بسم‌الله اول را بگذارم کنار دو تا سوره را بخوانم با بسم‌الله، بسم ‌الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد، تمام کنم، بسم ‌الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون هم تمام کنم، بله این بسم‌الله‌ها جزء‌ واجب نیست، ولی جزء این نماز است. و می‌‌توانم هم همانی که محقق حائری فرمود، بسم‌الله قبلی را که می‌‌گویم تکرار نکنم فعلا، یکی از این دو سوره را بخوانم، ‌برای سوره بعدی بسم‌الله بگویم، باز آن بسم‌الله بعدی جزء واجب نیست، نباشد مهم نیست، جزء این نماز می‌‌شود، هیچ مشکلی ندارد.

## بررسی فرمایش محقق عراقی

ما در پایان این فرع جا دارد که از تعلیقه‌ای که محقق عراقی زده در این مسأله ابراز تعجب بکنیم. ایشان در تعلیقه فرموده:

« أقول: و التفصيل المزبور مبنيّ على مبطليّة زيادة البسملة مستقلا و إلّا فبناء على ما أسلفنا من عدم مبطليّة أمثال هذه الزيادات و لو لانصراف عمومات الزيادة إلى غيرها فلا بأس بإتيان البسملة بقصد سورة ثالثة كما لا يخفى»[[4]](#footnote-4)

کانّه کسی که می‌‌گوید سوره ثالثه نمی‌توانی بخوانی بخاطر این است که مشکلش مبطلیت زیاده بسمله است و چون نظر ایشان این است که زیاده بسمله مبطل نیست، عمومات زیاده از آن منصرف است، پس اتیان بسمله به قصد سوره ثالثه غیر از جحد و توحید اشکال ندارد. ما در نقد فرمایش ایشان می گوییم:

الف: یا عدول حتی به سوره ثالثه جایز است؛ (زیرا فرض این است که علم تفصیلی نداریم که بسم الله را به قصد سوره توحید یا کافرون گفته ایم) مناسب بود ایشان اینطور تعلیل می کردند که «لإنصراف عمومات العدول عن هذا الفرض».

ب: یا عدول جایز نیست؛ در این صورت اصلا نباید عدول به سوره ثالثه شود، پس بحث زیاده بسم الله چه جای برای طرح داشت؟ مراد از زیاده بسم الله چیست؟

اگر مقصود بسم‌اللهی است که تکرار می‌‌خواهد بکند، او که به قصد جزء واجب نمی‌گوید تا زیاده پیش بیاید، به قصد قرائت قرآن است. اگر مقصود آن سوره اولی است که خوانده، آن‌ که زیاده نیست.

### بررسی فرمایش محقق داماد رحمه الله

محقق داماد رحمه الله نیز در اینجا فرمایشی دارد که مطرح می کنیم: ایشان می‌‌فرماید:

اگر قران بین السورتین حرام نبود که هیچ، هر دو سوره را می‌‌خواند با اکتفاء به همان بسم‌الله اولی که گفته است، ولی اگر گفتید قران بین السورتین حرام است، یکی از این دو سوره را می‌‌خواند و تمام می کند. اگر اشکال شود که شاید سوره کامله در این صورت خوانده نشده باشد؛ زیرا شاید بسم الله که اول گفته شده برای سوره ای باشد که خوانده نشده است، ایشان در جواب مسئله را با حدیث لاتعاد حل می کنند؛ چه اینکه اگر سوره دوم خوانده شود قران بین السورتین می شود، اگر گفته شود که نماز دوباره خوانده شود، خلاف حدیث لاتعاد است[[5]](#footnote-5).

در جواب به فرمایش ایشان گفته می شود: یک وقت است که فرمایش محقق خویی مبنی بر انصراف دلیل حرمت قران بین السورتین از جایی که نماز ما متوقف بر قران است، مطرح می شود، ولی این فرمایش قابل جواب است کما اینکه خود محقق خویی نیز فرموده اند « فیه انه لاوجه لدعوی الانصراف»، اما اشکال ما این است که:

1. شخص در محل فرض ملتف است، در حالی که حدیث لاتعاد شامل ملتفت نمی شود. حدیث لاتعاد انصراف دارد به کسی که بعد از عمل ملتفت به خلل بشود. مثلا بعد از رکوع ملتفت به خلل بشود که عمل قرائت گذشته و قابل تدارک نیست.
2. بر فرض که محقق داماد مانند محقق سیستانی جریان لاتعاد را در جایی که اضطرار عرفی صدق کند نسبت به ملتفت نیز بی اشکال بدانند[[6]](#footnote-6)، می گوییم راه حل مسئله منحصر به این راه نبود. توضیح اینکه:

دو مشکل پیش روی ما بود: یکی اکتفاء به یک سوره و دیگری قران، اکتفاء به یک سوره خلاف اشتغال است، قران نیز فرض این است که حرام است و حرمت هردو نیز وضعی است یعنی هم اکتفاء به یک سوره مشکل وضعی دارد و هم قران مشکل وضعی دارد. چرا باید به خاطر نیفتادن در محذور قران، اکتفاء به سوره را انجام دهیم؟ اکتفاء به یک سوره چه رجحانی بر قران دارد؟ وقتی خواندن سوره بر ما منجز است و علم اجمالی داریم، با چه اجازه ای اکتفاء به یک سوره کنیم؟ حرف ما این است که لاتعاد بیانگر وظیفه مکلف که نبود، ایشان می فرماید قران را که حرمت وضعی دارد انجام نده ولو اینکه دچار نقصان سوره شوید، ما می گوییم چه ترجیحی در میان است؟ علم اجمالی به ما اجازه اکتفاء به یک سوره نمی دهد؛ چرا باید کنار بگذاریم؟

بنابراین برفرض که لاتعاد جاری شود تعین این راهی که شمای آقای داماد پیشنهاد می‌‌کنید که اکتفاء کند به یک سوره وجهی ندارد.

## صورت دوم: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا جحد یا یک سوره دیگر

صورت دیگر این است که شما علم اجمالی دارید یا قصد سوره توحید کردید یا قصد سوره جحد کردید یا قصد سوره قدر مثلا، متعین نیست. پس علم اجمالی ثلاثی الاطراف است.

به نظر ما استصحاب می‌‌گوید قصد هیچ کدام از این سه سوره نشده است و شخص می تواند سوره دیگری مثل کوثر بخواند. قصد جزئیت نیز در بسم الله آن بشود اشکالی ندارد. استصحاب می‌‌گوید قصد سوره جحد نکردی قصد سوره توحید هم نکردی، و کسی که بسم‌الله بگوید قصد سوره جحد یا توحید نکند و لو قصد سوره قدر بکند جایز است تا وقتی به نصف نرسیده است، عدول به سوره های دیگر کند. البته طبق نظر محقق خویی کسی که قصد سوره قدر کند این اشکال پیش می آید که یقینا این بسم الله جزء واجب نیست؛ زیرا یا این بسم‌الله به قصد سوره قدر گفته شده که می‌‌شود تکرار، یا به قصد سوره جحد یا توحید گفته شده که حق ندارد از آن‌ها عدول کند. پس این بسم‌الله سوره قدر تکرار نباید بکند، تکرار هم نکند نمی تواند اکتفاء به سوره قدر کند، لذا آن وقت اگر بخواهد احتیاط کند باید سه سوره بخواند لذا همان سوره رابع را بخواند بهتر است. اما ما می‌‌گوییم بسم‌الله را بگو به قصد جزء مسمای نماز بعد سوره قدر بخوان، هیچ اشکال ندارد. به قصد سوره قدر می‌‌خوانی اما نه به عنوان جزء واجب، فوقش تکرار می‌‌شود و آن اشکالی ندارد.

### بررسی کلام محقق خوانساری

محقق خوانساری در این فرض قائل به لزوم خواندن سوره توحید یا کافرون شده اند. اگر اشکال کنیدکه علم اجمالی ثلاثی الأطراف است چطور می فرمایید که حتما این دو سوره خوانده شود؟ ایشان می فرماید: بالاتر بگویم، ‌نظر خود را در صورت ثالثه نیز می گوییم تا فهمیده شود ملاک چیست.می فرماید: اصلا اگر نمی‌دانید که سوره توحید یا قدر را نیت کرده اید، یعنی اگر ثنایی الأطراف هم بود، باز باید سوره توحید را بخوانید، البته باید بسم الله اعاده شود.[[7]](#footnote-7)

به نظر ما وظیفه ظاهریه مکلف طبق استصحاب عدم تعیین بسم الله برای سوره کافرون یا توحید، این است که لازم نباشد حتما این دو سوره را بخواند. آنچه محقق خوانساری فرموده است عملی احتیاطی است که بر همه واجب نیست.

## صورت ثالثه: علم اجمالی به تعیین سوره توحید یا سوره قدر مثلا

 به نظر ما در این صورت ثانیه که ثلاثی الاطراف است: یا جحد را قصد کردم یا توحید را یا قدر را و صورت ثالثه که ثنائی است منتها به این شکل که یا سوره توحید را قصد کردم یا سوره قدر را مثلا، این‌جا استصحاب می‌‌گوید من قصد آن سوره توحید یا سوره جحد را نکردم، سوره رابعه بخوانم سوره دیگر غیر از این سوره‌ها که قطعا جایز می‌‌شود به مقتضای این استصحاب، سوره قدر هم بخوانم به نظر ما با تکرار بسم‌الله اشکال ندارد.

##

1. . العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج‌1، ص: 647. [↑](#footnote-ref-1)
2. . کتاب الصلاۀ ص 177. [↑](#footnote-ref-2)
3. . موسوعۀ الإمام الخویی، ج 14، ص 343. [↑](#footnote-ref-3)
4. . العروة الوثقى (المحشى)، ج‌2، ص: 504. [↑](#footnote-ref-4)
5. . كتاب الصلاة (للمحقق الداماد)، ج‌4، ص: 204. [↑](#footnote-ref-5)
6. . لذا آقای سیستانی می‌‌گوید شما نماز خواندی فکر کردی مهر در جیبت هست، الله اکبر، ‌می‌خواهی بروی به سجده، ‌مدام دست می‌‌کنی به این جیبت می‌‌بینی نیست، مهر کاغذ هیچ چیز نیست، آن جیبت هم همین‌طور، آقای سیستانی می‌‌گوید نمازت را روی فرش بخوان، شما مضطری به این‌که سجده کنی بر فرش، لاتعاد الصلاة. می‌‌گوید من ملتفت هستم، می‌‌گویند مهم این است که مضطری. دیگران این مبنا را قبول ندارند. (استاد). [↑](#footnote-ref-6)
7. . العروة الوثقى (المحشى)، ج‌2، ص: 504. «في المسألة صور أربع الاولى أن يكون الجحد و الإخلاص فقط من أطراف المحتمل و الثانية أن يكون كلّ منهما من أطراف المحتمل ففي هاتين الصورتين المتعيّن قراءة كلتيهما بناء على جواز القرآن كما هو الأقوى الثالثة أن يكون إحداهما المعيّن من أطراف المحتمل و في هذه الصورة يجب تعيين‌ البسملة بقصد هذه السورة و قراءتها و الرابعة أن تكون أطراف المحتمل غير هاتين السورتين فله قراءة أيّة سورة أراد بعد إعادة البسملة.». [↑](#footnote-ref-7)